

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَٰلِهِ وَسَلَّمَ

عظمت مادری

روز ولادت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را روز زن و روز مادر نام‌گذاری کرده‌اند؛ میشد گفت روز رهبر یا روز والاترین انسان، اشکالی نداشت؛ اما امروز نیاز جامعه‌ی ما به این است که بداند مادری یعنی چه؟ زن خانه بودن و کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه‌ی زهرا با آن مقام و عظمت، یک خانم خانه‌دار است؛ یکی از شئون همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه‌داری کردن.

۱۳۹۵/۱۲/۲۹ | رهبر انقلاب | عید





امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر
سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا
سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت
ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود
برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی امر
و ولی عصر علیه السلام آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد
شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به
معرفت امروز من و شماست.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۱



ماهنامه **منهج** | دی ۱۴۰۳ | شماره ۷۷

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود (عج) فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا (عج)، نبش کوچه ۸، روبروی
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) فارس



بنیاد ملی ترویج فرهنگ اسلامی



مؤسسه فرهنگی و اجتماعی بنیاد ملی ترویج فرهنگ اسلامی

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademaahdi.com
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

- سخن سردبیر **۴**
- در محضر شهدا **۵**
- دقایقی پای خاطرات استاد **۹**
- خروج سفیانی **۱۲**
- رسانه **۱۵**
- ندای یاری طلبی **۱۹**
- اتاق فرمان **۲۲**
- بهترین فرصت **۲۸**
- اندکی درنگ **۳۱**
- داستان (عهد) **۳۸**
- تلنگر **۴۴**
- گزارش تصویری **۴۹**

سخن سردبیر

شاید برای ما این سوال پیش بیاید که چرا جامعه‌ی اسلامی گرفتار غیبت خدا شده و چه کنیم تا با پایان یافتن روزگار پرمحنت انتظار، عصر گسترش عدالت در سایه‌ی حکومت امام عصر(ع) آغاز شود؟ اصلاً آمادگی برای ظهور، یعنی چه؟ و مردم برای رسیدن به دولت آسمانی حضرت بقیةالله(ع) چه قدم‌هایی را باید بردارند؟

طرح این سؤال در اذهان مردم، اصل موضوع غیبت و انتظار را اثبات می‌کند؛ چرا که اگر باور به غیبت امام زمان(ع) نبود، سؤال از ایجاد آمادگی، معنا نداشت. غیبت، به عنوان مهم‌ترین چالش پیش روی شیعیان است که برای برون رفت از این چالش، باید موانع آن مرتفع شود. بزرگترین دلیل طولانی شدن غیبت امام زمان(ع)، عدم آمادگی مردم است و تا این آمادگی ایجاد نشود، بدون تردید جامعه در آتش غربت غیبت خواهد سوخت.

برای ایجاد آمادگی، اولین گام، ایجاد آمادگی فردی است. هر یک از افراد جامعه باید به وظایف فردی خود در مقابل امام زمان(ع) عمل کنند و اگر هر شخصی چنین تصور کند که او تنها مانع ظهور حضرت است و در اصلاح خود کوشش نماید، مسیر برای ظهور آماده می‌شود.

گام دوم ایجاد آمادگی اجتماعی است. اگر آمادگی فردی، شکل گرفت، جامعه‌ای با آحاد منتظر به وجود می‌آید که یک آرمان مشترک دارند، یعنی افرادی که هدف مشترک دارند، در کنار یکدیگر، مسیر رسیدن به ظهور را هموار می‌کنند. آمادگی برای ظهور در بُعد اجتماعی، با پدیده‌ای به نام امر به معروف و نهی از منکر همراه است و این یعنی همه‌ی افراد جامعه، مراقب یکدیگر هستند تا طراوت اجتماعی انتظار، خدشه دار نشود.

گام سوم برای ایجاد آمادگی، ارتقاء سطح علمی ارتباطات یا رشد تکنولوژی است. مسلمانان باید با تلاش، زمینه‌ی پیشرفت در تکنولوژی و گسترش ارتباطات را فراهم کرده و خود را برای جهش عظیم علمی عصر ظهور آماده کنند و در این عرصه گرفتار غفلت نشوند چرا که یکی از راهبردهای عصر ظهور، ارتقاء علمی است.

امضا

حاج احمد کریمی، برای شهید شدن به هر دری زده بود، اما شهادت قسمت او نمی شد. بعد از عملیات کربلای ۴، حسابی به هم ریخته بود. شب عملیات کربلای ۵، مصادف با شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) شده بود. حاجی در سنگر فرماندهی، نشسته بود. در آن اوضاع و احوال، که همه در تب و تاب عملیات بودند، سراغ مداح را گرفت. او را راضی کرد، تا برایش روضه حضرت زهرا (علیها السلام) را بخواند، مداح می خواند و حاجی گریه می کرد:

وقتی که باغ می سوخت، صیاد بی مروت
مرغ شکسته پر را، در آشیانه می زد

گردیده بود قنفذ، همدست با مغیره

او با غلاف شمشیر، این تازیانه می زد...

همان شب بی بی، شهادتش را امضا کرد، صبح عملیات که برای سرکشی خط، آمده بود خمپاره کنارش خورد. فقط دو ساق پایش سالم ماند.^۱

۱- کتاب آخر رفاقت، سیره و سلوک رفتاری سردار شهید حاج احمد کریمی، اثر: مرتضی احمدی با کمی دخل و تصرف



در محضر شهید

وعدہ

نوجوانی ۱۶ ساله از محله‌های پایین شهر تهران بود. چون پدر نداشت خیلی بد، تربیت شده بود. خودش می‌گفت: گناه زیاد انجام داده ام، تا این که یک نوار روضه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) او را متحول کرد. به جبهه رفت. یک روز به فرمانده گفت: من از بچگی حرم امام رضا (علیه السلام) گرفتم، می‌ترسم شهید بشوم و حرم آقا را نبینم. یک ۴۸ ساعت به من مرخصی بدهید تا به زیارت امام رضا (علیه السلام) بروم و برگردم. به مشهد رفت، دو ساعت توی حرم زیارت کرد و به جبهه برگشت. توی وصیت نامه اش نوشته بود، در راه برگشت از حرم امام رضا (علیه السلام)، توی ماشین خواب حضرت را دیدم. آقا به من فرمودند: حمید! اگر همین طور باشی خودم می‌آیم و می‌برمت... یک قبری برای خودش اطراف پادگان کنده بود، نیمه شب‌ها تا سحر داخل قبر، می‌خوابید و گریه می‌کرد و می‌گفت: یا امام رضا (علیه السلام) منتظر وعده ام، آقا جان چشم به راهم نگذار... توی وصیت نامه اش ساعت شهادت، روز شهادت و مکان شهادتش را نوشته بود. شهید که شد، دیدیم حرف‌هایش درست بوده، دقیقاً در روز، ساعت و مکانی شهید شد که تو وصیت نامه اش نوشته بود.^۲

۲- خاطره‌ای از زندگی شهید حمید محمودی راوی: حاج مهدی سلحشور، هم‌رمز شهید با کمی دخل و تصرف

محرم‌شهر

قسم

ژنرال های کارکشته دنیا به صدام، گفتند: ایران از هر نقطه ممکن است به خاک شما یورش بیاورد، الا از منطقه فاو. آن ها می گفتند: هیچ کس نمی تواند از دریای مواج ارونند، عبور کند چرا که پای گذاشتن غواص در ارونند، همان و پیدا شدن جنازه اش در شکم نهنگ های خلیج فارس همان. می گفتند: ارونند، در اثر جذر و مد، مسیر حرکتش را تغییر می دهد. سطح آبش آرام، اما لایه های زیرین آن پر شتاب می گذرد. گرداب هایی دارد که با سرعت سیصد کیلومتر، طعمه اش را به غرقاب نابودی می کشاند و می بلعد.

اما در ساحل شرقی نهر علی شیر، حاج قاسم سلیمانی و حاج احمد امینی، تصمیم خودشان را گرفتند و برای عملیات والفجر ۸ آماده شدند. والفجر ۸، چندین ماه کار اختفا داشت، تردهای محدود، در منطقه انجام می شد تا با سخت گیری ها، منطقه لو نرود و موفق هم شدند.

عصر ۲۰ بهمن ۱۳۶۴، گردان ۴۱۰ غواصان لشکر ثارالله، پس از نماز مغرب، بنا بود به آب بزنند، از آبراه یا همان نهر علی شیر، وارد ارونند شوند و پشت مواضع دشمن برسند. فاصله آن ها در دهانه ارونند تا دشمن، بالای ۱۱۰۰ متر بود. حاج قاسم باید غواص هایش را با تاریک شدن هوا آرام و بی صدا از رود، عبور می داد تا خط دشمن را تصرف کنند. طبق پیش بینی ها الان باید آسمان صاف و ارونند آرام باشد اما نبود، برای عبور از موج های سرکش ارونند، حاج قاسم پیش از عملیات، برای بچه ها از مسائل مختلف جبهه گفت: این رودخانه، اگر خشن شود مهارش سخت است، بنابراین باید توسل تان به بالا باشد. بنابراین هر جا گیر کردید خدا را به پهلوی شکسته حضرت زهرا (ع) قسم دهید.

نام حضرت زهرا (علیها السلام) در حریری از اشک تکثیر شد و در آسمان پیچید. دل‌ها قوت گرفت. سپاه، پیاده و سواره به سمت اروند به حرکت درآمد. غواص‌ها، از زمین باتلاقی حاشیه رود گذشتند و در کناره آن آرایش گرفتند. سرعت آب و تلاطم رود طوفان‌زده، در قدم اول می‌خواهد همه را نا امید کند، غواص‌ها یک متر جلو می‌روند، آب دو متر آنها را عقب می‌نشاند. آن‌ها با رشته‌ای طناب، به هم وصل هستند. نبردی سنگین میان مردانی که ذکر یا زهرا، بر لب دارند و رودخانه‌ای که راه نمی‌دهد، در گرفته است. ناگهان پای نفر اول، به زمین سفت می‌رسد. یا زهرا! به ساحل رسیدیم! همه از آب بیرون می‌آیند. بی صدا در ساحل آرایش می‌گیرند. تازه، اول کار است. باید با هجومی تند، خط دشمن را فتح کنند و این کار را می‌کنند. دشمن، راهی جز فرار ندارد. بعد از ۲ ساعت و نیم، حاج احمد امینی، روی بیسیم می‌گوید: یا فاطمه الزهرا. یا فاطمه الزهرا. حبیب، حبیب، احمد... مأموریت با موفقیت انجام شد. حالا نوبت شماست.

شعف و شادابی در چشمان حاج قاسم سلیمانی درخشید و مروارید اشک، پایین آمد. حاجی بی‌تاب و اشک بار فریاد زد: زهرا جان ممنونم، بی‌بی جان متشکرم.

شهید امینی می‌گفت: با وجود این طوفان حتی یک نفر از بچه‌ها آسیب ندید، چون تصویرش را نمی‌کردند، در چنین آب و هوایی، ما دست به حمله برنیم.^۳

۳- کتاب صبح روز بیست و چهارم نقش لشکر ۴۱ ثارالله در عملیات والفجر ۸، اثر عباس میرزایی با کمی دخل و تصرف

عالم با عمل

به مرحوم شیخ عباس قمی گفتند: این همه دعا که در کتاب مفاتیح آورده‌ای خودت خوانده‌ای؟ گفت: هر دعایی که آورده‌ام لااقل یک بار خوانده‌ام تا از کسانی نباشم که امر می‌کنند، اما عمل نمی‌کنند.

کمک پدر یا لطف مولا

یکی از طلبه‌های ایرانی که در نجف درس می‌خواند، وضع معیشتی سختی پیدا کرده بود، به حرم امیرالمومنین علی (علیه السلام) مشرف شد و گفت: یا علی! دستم به دامنانت، تو آن امام مهربانی هستی که به فقرا، سر می‌زدی، من هم در آتش فقر می‌سوزم، آقایی بفرما، لطفی کن تا همین لحظاتی که در حرم هستم یک نفر، یک صدتومانی به من بدهد!

دقایقی نگذشته بود که تازه‌واردی از ایران، او را دید، با هم سلام و علیکی کردند، از او پرسید از ایران چه خبر؟ زائر گفت: روز آخری که می‌آمدم پدرت مرا دید و صدتومان برایت فرستاد. طلبه ایرانی صدتومان را گرفت و به کنار ضریح آمد و عرض کرد: یا علی! این صدتومان از پدرم می‌باشد، منتظر صدتومان شما هستم.

وقتی به منزل رسید، متوجه شد صدتومانی نیست، به سمت حرم دوید، دید حرم بسته است. فردای آن روز، به کفشداری‌ها و مغازه‌ها اعلام کرد، ولی خبری از صدتومان نشد.

ماجرا را برای استادش تعریف کرد، استاد گفت: تو به مولا

دقایقی پای
خاطرات استاد



توهین کرده ای. اگرچه صدتومان را ظاهراً پدرت فرستاده بود، ولی هزار شرط، لازم داشت تا او در همان ساعت، تو را پیدا کند و به دستت بسپارد. وضو بگیر و برای عذرخواهی به حرم برو.

طلبه به حرم آمد و عذرخواهی کرد. در همان حال، زن عربی جلو آمد و گفت: من چند شب پیش، به حرم می آمدم که مبلغی پول پیدا کردم. طلبه، نشانی پول را داد و پول را گرفت. پس از دریافت پول، در حالی که از مولا، تشکر می کرد، از حرم خارج شد.

ایثار

طلبه ای تعریف می کرد: به روستایی رفتم که مردم در آن جا، آب آشامیدنی نداشتند و هر روز زن و مرد، با الاغ و قاطر، به چند کیلومتری روستا می رفتند تا از چشمه ای، آب بردارند. من این صحنه را که دیدم، خیلی ناراحت شده، به قم آمدم، خانه مسکونی خود را فروخته و پولش را خرج لوله کشی روستا کردم. خانه را فروختم اما یک روستا دارای آب شد. ایشان تا پایان عمر خانه نداشتند. بعد از فوت ایشان، من این داستان را در تلویزیون تعریف کردم، یکی از بینندگان داوطلب شد که برای فرزنداناش خانه ای بخرد.

برادری اسلامی

آیت الله مشکینی می فرمودند: در حجره چند تا طلبه بودیم و هرچه پول داشتیم، زیر فرش می گذاشتیم و می گفتیم: هرکس هرچه نیاز دارد، بردارد و خرج کند. اصلاً نمی پرسیدیم این پول مال کی هست؟ و چه مقدار برداشته می شود؟

(برای ظهور حضرت) باید به اینجا برسیم که همه با هم یکی باشیم.

گوهر وقت

وقتی که امام خمینی رحمه الله را به ترکیه تبعید کردند، ایشان را با هواپیمای مسافربری نبردند، چون از شورش مسافران می ترسیدند، لذا با هواپیمای باری بردند. ایشان از فرصت استفاده کرده و باب سخن را با خلبان باز کردند.

وقتی به ترکیه رسیدند، امام را در اتاقی محبوس کردند، حتی اجازه نمی دادند، ایشان پرده اتاق را کنار بزند و از نور آفتاب استفاده کند و نگرهبانی را برای ایشان گماشتند. امام رحمه الله از این فرصت هم استفاده کرده و باب گفتگو را با نگرهبان ترک زبان، باز نموده و مرتب از کلمات ترکی می پرسیدند.

و عجیب تر این که امام، در همان اتاق تاریک، در طول یک سال، دو جلد کتاب تحریرالوسیله را نوشتند.

آرامش قبل از عملیات

یکی از زیبایی های جنگ، آرامشی بود که رزمندگان، در شب عملیات داشتند. چند ساعت قبل از عملیات، گویا برای حمله عروس آماده می شوند، به ریش کل دنیا می خندیدند، نقل و نبات تقسیم می کردند و شوخی می کردند.

آری! این آرامش در هیچ یک از دانشکده های روانشناسی پیدا نمی شود.

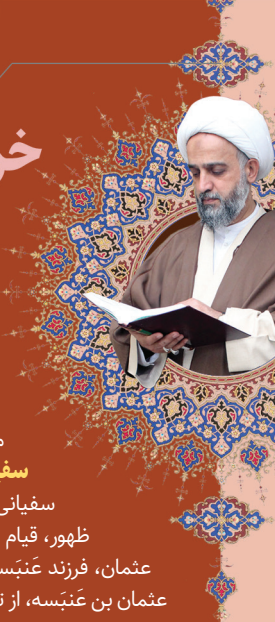
کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف

خروج سفیانی

خروج سفیانی یکی از علائم حتمی است که در روایات، فراوان از آن یاد شده است. حضرت ولی عصر علیه السلام در توقیعی به آخرین نائب خاص خود علی بن محمد سمری فرمودند: **أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ**! آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده کند دروغگو و افترا زننده است.

سفیانی کیست؟

سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور، قیام می کند. در بعضی از روایات ذکر شده که نامش عثمان، فرزند عَنبَسَه است و از نوادگان و از نسل ابوسفیان است. عثمان بن عَنبَسَه، از تبار و نسل ابوسفیانی است که مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله بود و شیطنتهای او در صدر اسلام بر علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و فتنه گری های او که بر علیه رسول الله صلی الله علیه و آله؛ چه زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند و چه زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت نمودند، در تاریخ مکرر بیان شده است. هر توطئه ای و هر جنایتی و هر اتفاقی که می افتاد، دست پیدا و پنهان ابوسفیان و مکر او و ثروت او و فکر شیطننت آمیز او، در این کارها دخالت داشت. امام صادق علیه السلام می فرمایند: سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است^۲ بر اساس



بعضی از روایات، از ابتدای خروجِ سفیانی تا کشته شدن او، پانزده ماه بیش‌تر طول نمی‌کشد.^۳ در طی این پانزده ماه، جوامع اسلامی را درگیر جنگ و نزاع و کشمکش‌ها و خونریزی‌هایی می‌کند، به بهانه‌ی دینداری و تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمان‌ها را، فریب می‌دهد.

قیام سفیانی از شام آغاز می‌شود و بعد از این‌که منطقه‌ی شام را درگیر جنگ‌های خود می‌کند، جنگ را به عراق و سپس جنگ را به منطقه‌ی حجاز می‌کشانند. و این چند کشور را درگیر جنگ و خصومت و نفاق و شقاق می‌کند. در اوصاف وضعیتی که در منطقه‌ی عراق، ایجاد می‌کند، داریم که: وَشُمُولَ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ. منطقه‌ی عراق را، وحشتی می‌گیرد که آرامش از مردم سلب می‌شود.

در روایات داریم سرخی‌هایی در آسمان ایجاد می‌شود که شاید اشاره به همین سلاح‌های خطرناک و مرگباری باشد که بر علیه انسان‌ها و بشریت، دشمنان فضیلت و انسانیت به کار می‌برند.

از اساسی‌ترین اهداف قیام سفیانی، حمله به مناطق شیعه‌نشین و کشتار شیعیان و حمله به مراکز مقدسه شیعه در کشور عراق، است. تأثیر این رخداد عظیم در کیان شیعه و تهدیدی که از ناحیه سفیانی متوجه شیعیان جهان می‌شود به‌گونه‌ای است که امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: در کوفه منادی او (سفیانی) ندا می‌دهد که هر کس سر یک تن از شیعیان علی (علیه السلام) را بیاورد، هزار درهم پاداش اوست و در این هنگام همسایه به همسایه، حمله برده و می‌گوید: این شخص از شیعیان است، پس گردن او را می‌زند و هزار درهم جایزه می‌گیرد.^۵

اما وقتی لشکریان او به قصد یورش به شهر مکه و تخریب خانه خدا، به سمت سرزمین عربستان حرکت می‌کند، به اذن خداوند در منطقه‌ای به اسم بیداء که میان شهرهای مکه و مدینه قرار دارد، در زمین فرو می‌روند و علامت دیگر ظهور، یعنی خسف بیداء محقق می‌شود و لشکر سفیانی همگی به جز یکی دو نفر، که برای خبررسانی زنده می‌مانند در زمین فرو می‌روند. بعد از آن، حضرت مهدی عج با سپاه خود به سوی سرزمین شام لشکرکشی می‌کنند. در این جا نبردی بین او و سپاه حضرت ولی عصر عج در می‌گیرد و سپاه حضرت مهدی عج با خیل کثیری از مردمی که به لشکر ایشان پیوسته‌اند، بر آنان پیروز شده، وارد بیت المقدس می‌شوند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶

۲- همان، ج ۲، ص ۷، ص ۶۵۰

۳- الغیبه نعمانی، ب ۱۸، ج ۱، ص ۴۱۶

۴- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۲

۵- الغیبه طوسی، ش ۳۱/۴۵۳، ص ۷۶۳



در شماره‌های گذشته به برخی از آسیب‌های رسانه در خانواده مانند ترویج خانواده مُدرن بی بند و بار، ترویج خیانت، ارزش زدایی از مفهوم غیرت، تحریک روحیه تجمل‌گرایی، تحریک روحیه تنوع‌طلبی، کاهش نسل بشر از طریق سقط جنین و هم جنس گرایی و هم چنین ازدواج سفید اشاره کرده و به آن پرداختیم. در این شماره به آسیب‌های دیگر می‌پردازیم.

حیوان پروری یا زندگی با حیوانات در منزل

یکی دیگر از آسیب‌های فضای رسانه‌ای، ترغیب مردم به حیوان پروری در خانه و زندگی با برخی حیوانات وحشی است. این مسئله تاجایی دنبال شده که برخی افراد در غرب با حیوانات ازدواج کرده و آن را به عنوان همسر خود برگزیده و بعضی حیوانات را به عنوان فرزند خود اختیار کرده و یا زندگی با حیوانات را به عنوان راهی برای گریز از ازدواج و فرزندآوری انتخاب می‌کنند.

مسئله



علاقه وافر و وابستگی شدید به حیوانات، باعث می‌شود این افراد روابط روزمره و انسانی خود را به سمت ارتباط با حیوانات ببرند. اختلال در روابط انسانی، شیوع بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان، هزینه‌های هنگفت و اسراف گونه برای حیوانی که می‌تواند طبق غریزه خود در طبیعت زندگی کند، احساس وابستگی شدید عاطفی به حیوان، تقلیل در فرزند آوری، پیری جمعیت و نهایتاً قطع نسل بشر، تغییر خلق و خوی انسان، منکوب کردن غرایز حیوانات تا نادیده گرفتن حقوق حیوانی که باید در طبیعت زندگی کند و طبق روند طبیعی خود به حیات خود ادامه دهد از نکات و آسیب‌های جدی این نوع از سبک زندگی محسوب می‌شود که متأسفانه با اقبال برخی انسان‌ها، مخصوصاً قشر ثروتمند روبرو شده است. این در حالی است که بسیاری از ابناء بشر در فقر، مشکلات روحی و روانی حاصل از تنهایی به سر می‌برند. زندگی با سگ، گربه، مار، تمساح، شیر، پلنگ، بزمرجه و ... از نمونه‌های این سبک از زندگی است. ما می‌توانیم تبلیغات این نوع از زندگی را همانند آسیب‌هایی که مطرح شد یک ترور رسانه‌ای علیه بشریت بدانیم که در آن انسان‌ها به چیزی مشغول می‌شوند که نسل آینده بشر، به شدت تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد.

نام زدایی اسلامی

در تاریخ خلافت بنی‌امیه، تلاش شد مبارزه بزرگی علیه اهل بیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ صورت پذیرد که اوج این تراژدی، شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفای ایشان بود که در آن عده‌ای از خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ به شهادت رسیده و عده‌ای به اسارت رفتند. این مسئله به سادگی بین مسلمانان شکل نگرفت بلکه قریب به ۳۰ سال کار فرهنگی منافقین، یهود و

دستگاه بنی امیه باعث شد تا چهره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) از جانشینان بلافصل پیامبر اکرم (علیه‌السلام) به خارجی (خروج کردگان از دین) تبدیل شود. امامانی که برای هدایت مردم از جانب خداوند تعیین شده بودند به مظلوم‌ترین افراد روی زمین تبدیل گشتند. امام علی (علیه‌السلام) که زادگاهشان خانه خدا بود و در غدیر خم به عنوان جانشین نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انتخاب شده بودند را در مسجد و به هنگام نماز، به شهادت رساندند، اما آن قدر افکار را مسموم کرده بودند که می‌گفتند مگر علی (علیه‌السلام) نماز می‌خوانده؟ این حاصل چه چیزی بود؟ این حاصل کار فرهنگی دشمن و دشمن شناس نبودن مردم بود که بدل را از طلا تشخیص نمی‌دادند. یکی از کارهایی که به وسیله معاویه علیه اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه امام علی (علیه‌السلام) شکل گرفت، ممنوعیت گذاشتن نام علی، بر فرزندان بود که تازه متولد می‌شدند. او حتی به مغیره بن شعبه در مورد نام پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گفته بود: فوالله دفناً دفناً پس به خدا قسم این نام را دفن می‌کنم. امام حسین (علیه‌السلام) در راه مقابله با عمل معاویه نام تمامی پسران خود را علی گذاشت تا نشان دهد، باید در مقابل تک دشمن، پاتک زد و نگذاشت دشمن به هدف خود برسد، چرا که آنان با حذف نام می‌خواستند راه امام و سیره ایشان را حذف کنند.

حال در زمان ما باز عده‌ای مانند معاویه، با همان نیت و البته برخی هم از روی جهل، تلاش می‌کنند با همان شیوه، کار خود را دنبال کنند. آن‌ها با بیان این که ائمه (علیهم‌السلام) از اعراب بوده و ما ایرانی هستیم، نباید نام آن‌ها را بر فرزندان خود بگذاریم، این عمل را ترویج می‌کنند.

گذاشتن نام نیک بر فرزند، یکی از وظایف والدین نسبت به فرزند خود است که در روایات هم به آن اشاره شده است، این که یک پدر یا مادر بخواهد نام

فرزند خود را هر چه که دوست دارد بگذارد، ایرادی ندارد، حال این اسم عربی باشد یا نباشد، اما وقتی به نیت حذف اسم اهل بیت (علیهم السلام) این امر در رسانه‌ها تبلیغ شده و به آن پر و بال داده می‌شود و عده‌ای هم از آن تقلید می‌کنند، ما را به یاد همان وقایع تاریخی می‌اندازد که بنی امیه با خباثت هر چه تمام‌تر علیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) انجام دادند. این جا باید زنگ خطر به صدا درآید که چرا آن قدر نسبت به نام ائمه طاهرين (علیهم السلام) و اولیای الهی تبلیغ سوء می‌شود؟ قطعاً هدف فقط حذف نام نیست، هدف ایجاد انحراف و مسدود کردن راه اهل بیت (علیهم السلام) است که دنبال می‌شود.

البته چقدر زیبا در زیارت جامعه کبیره آمده است: **فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمُ (ای اهل بیت پیامبر ﷺ) پس چقدر نام‌های شما شیرین است.**

ادامه دارد.

محمدعلی غیبی

۱- ر.ک: بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۶۹- کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۱۸- کشف الیقین، ص ۴۷۴

رسانه

گاهی می‌گوئیم خدا از کسانی که در روزگار امامان معصوم علیهم‌السلام بودند و درباره آنان کوتاهی کرده و حق ایشان را ادا نکرده و آن بزرگواران را تنها گذاشته و سراغ دیگران رفتند و به فرامین، سفارشات و توصیه‌های آن بزرگواران عمل نکرده و یا آن را ناتمام رها کردند، نگذرد. به گونه‌ای سخن می‌گوییم که فراموشمان می‌شود هنوز هم روزگار، روزگار امام معصوم علیهم‌السلام است. هنوز هم فردی از همان خاندان وجود دارد که منتظر ماست، هنوز هم وظیفه ما هم چون گذشتگان، مودت و محبت نسبت به آن وجود مبارک است.

تعجب می‌کنیم چگونه ندای یاری طلبی ائمه علیهم‌السلام را شنیده و به راحتی از کنارش گذشتند؟ و زمانی بر تعجب ما افزوده می‌شود که چگونه شخصی مخاطب امام معصوم علیهم‌السلام بود و در کمال بی‌ادبی، اعتنا نمی‌کرد. اما نمی‌ترسیم از این‌که خود ما هم، مرتکب همین جرم شویم و فکر نمی‌کنیم که شاید ما نیز همان‌طور رفتار کرده‌ایم، چرا که اکنون حضرت ۱۱۸۶ سال است که در پس پرده‌ی غیبت هستند و

ندای یار طلبی

منتظر ظهور!!!! و ما....

تعجب می‌کنیم که چگونه افرادی در زمان ائمه علیهم‌السلام، با آن که می‌دانستند امام علیه‌السلام آگاه به جمیع علوم است و از همه زندگیشان مطلع می‌باشد، باز منافق گونه رفتار کرده و رفتار و گفتارشان در محافل و مجالسشان، متفاوت از آن چه بود که در حضور امام علیه‌السلام انجام می‌دادند. آیا به خودمان مراجعه کرده‌ایم، در خلوت خود در باره‌ی این موضوع اندیشیده‌ایم که چه بسا ما از آن‌ها، جلو هم زده باشیم؟ چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: **وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ** ^۱ (ای پیامبر! به مردم) بگو: عمل کنید! (ولی بدانید) که خداوند و پیامبر و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! در روایات آمده که مراد از مومنون در این آیه شریف، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند ^۲

آیا ما حضور امام علیه‌السلام را در زندگی خود حس کرده‌ایم؟ یا خود را در محضر ایشان دیده‌ایم تا هر طور دلمان می‌خواهد زندگی نکرده و هر چه می‌خواهیم انجام ندهیم؟

گاهی از افرادی که با سخنان، حضور، اموال، خانواده و اطرافیان خود، یاری امامان معصوم علیهم‌السلام نکردند، دلگیر و متنفر می‌شویم، گویی که خودمان همه زندگی و هستی مان را برای امام خود خرج کرده و در مسیر ایشان قرار داده‌ایم. اصلاً چند دقیقه از زندگیمان و چند ریال از اموالمان را برای امام زمان علیه‌السلام و در راه ایشان داده‌ایم؟

هنوز هم همین‌طور هستیم. هنوز هم وقتی صحبت از یاری امام زمان علیه‌السلام می‌شود، یقه دیگران را می‌گیریم که چرا عده‌ای برای یاری امام زمان علیه‌السلام آماده

نشده‌اند. این چه وضعی است، این چه جامعه‌ای است که امامشان به انتظار یاری آن‌ها نشسته است و آنان دست روی دست گذاشته‌اند. گویی، به ما برگه معافیت داده و گفته‌اند: کار شما درست است و از شما هیچ توقعی نیست، دیگران می‌لنگند و مقصرند.

آیا تاکنون فکر کرده‌ایم آیندگان که تاریخ امروز ما را نظاره می‌کنند، در مورد ما چه خواهند گفت؟ یا تا الآن به ذهنمان خطور کرده که در روز قیامت اگر خواستیم یقه گذشتگان را به خاطر کم کاری، نسبت به امام و یا سایر حجت‌های الهی بگیریم، چه تضمینی وجود دارد که کسی یا حتی خود آن‌ها، یقه ما را نگیرند و نگویند که مگر خودتان چه کرده‌اید که طلبکار دیگرانید؟ ما و شما مثل هم هستیم.

آری! نظام هستی جریان دارد و عرصه، عرصه اضطراب مردم به حجت الهی است. درست همان‌طور که از ابتدا بوده است. اکنون نیز مردم یک حجت دارند، یک واسطه بین خود و خالق خود، یک هادی، یک راهنما، و ایشان نیز حاضر، زنده و آماده هستند. ما چه کرده‌ایم؟ عرصه هم چنان باقی است، به راستی ما در کدامین جبهه هستیم؟!

۱- خداوند در قرآن می‌فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۲۳/شوری) بگو: از شما (در برابر ابلاغ رسالت) هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکیان را نمی‌خواهم.
۲- توبه/۱۰۵

گروه هیئت تحریر الشام (HTS) (Hay'at Tahrir al-Sham) از جبهه النصره منشعب شده است. جبهه النصره در سال ۲۰۱۲ به عنوان شاخه‌ای از القاعده در سوریه، تأسیس شد. هدف اصلی این گروه، همانند دیگر گروه‌های جهادی، سرنگونی دولت بشار اسد و تأسیس دولت اسلامی بر اساس تفسیرهای افراطی از اسلام بود. جبهه النصره در ابتدا با نام «جبهه النصره لاهل الشام» شناخته شد. این گروه از همان ابتدا با تاکتیک‌های جنگ‌های چریکی و حملات انتحاری در برابر ارتش سوریه مبارزه می‌کرد.



رهبر اصلی تحریر الشام (HTS)، ابومحمد الجولانی با نام واقعی احمد الشرع، است که پیش از این به عنوان فرمانده جبهه النصره شناخته می‌شد. الجولانی نقش کلیدی در هدایت این گروه و حفظ قدرت آن در برابر چالش‌های داخلی و خارجی داشت. ساختار تحریر الشام شامل بخش‌های نظامی، امنیتی و اداری است.

ابو محمد الجولانی در سال ۱۹۸۱ میلادی در شهرک الشحیل از توابع شهر دیرالزور در شرق سوریه در خانواده‌ای متولد شد که اصلیت آن‌ها متعلق به استان ادلب بود. او به همراه خانواده اش به شهر دیرالزور نقل مکان کرد، زیرا پدرش کارمند دولت، و راننده اداره خانه‌های سازمانی نظامی بود.

الجولانی به دانشکده پزشکی دانشگاه دمشق رفت و دو سال پزشکی خواند و در سال سوم دانشگاه، بعد از تجاوز سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، او به عراق رفت. الجولانی به گروه القاعده و شاخه عراقی آن پیوست و تحت فرماندهی ابومصعب الزرقاوی و جانشینان او قرار گرفت. در صفوف گروه القاعده، به سرعت پیشرفت کرد و مدارج ترقی را پیمود تا این که از افراد نزدیک به الزرقاوی شد. بعد از ترور الزرقاوی در حمله هوایی آمریکا در سال ۲۰۰۶ میلادی الجولانی، از عراق خارج شد و به لبنان رفت، به نظر می‌رسد که وی بر امر آموزش جند الشام، مرتبط با گروه القاعده، نظارت داشته است. الجولانی بار دیگر از لبنان به عراق رفت و آمریکایی‌ها او را بازداشت و در زندان (کمپ) بوکا، زندانی کردند که اداره آن برعهده‌ی آنان بود. وی در سال ۲۰۰۸ میلادی آزاد و فعالیت نظامی خود را با به اصطلاح دولت اسلامی در عراق (داعش) به سرکردگی ابوبکر البغدادی آغاز کرد. پس از آغاز جنگ

داخلی سوریه در ۲۰۱۱ میلادی، الجولانی به سوریه بازگشت و در سال ۲۰۱۲ میلادی، جبهه النصره را تأسیس کرد. این گروه به‌عنوان شاخه‌ای از القاعده، فعالیت خود را آغاز و در جنگ علیه دولت بشار اسد، نقش مهمی را ایفا کرد. در سال ۲۰۱۳ میلادی، جبهه النصره ارتباطات نزدیکی با القاعده برقرار کرد و اعلام کرد که بخشی از شبکه جهانی القاعده است. این گروه در ادامه به یکی از گروه‌های اصلی در جنگ داخلی سوریه تبدیل شد و در کنار سایر گروه‌های مخالف، در نبردها علیه دولت بشار اسد فعال بود. در سال ۲۰۱۶ میلادی، به‌دنبال فشارهای بین‌المللی و تحولات داخلی در سوریه، جبهه النصره اعلام کرد که ارتباط خود را با القاعده قطع کرده و خود را به نام جدید هیئت تحریر الشام (HTS) معرفی کرد. این تغییر نام و ساختار، به‌طور رسمی برای نشان دادن فاصله‌گیری از القاعده و جلب حمایت‌های

بین‌المللی و محلی بود. هدف این تغییرات، ایجاد یک ائتلاف گسترده‌تر از گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه و نمایش چهره‌ای معتدل‌تر به جهان بود.



این گروه در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷ به رهبری ابومحمد الجولانی تشکیل شد. تحریر الشام به عنوان تلاشی برای ادغام گروه‌های مسلح و ایجاد یک جبهه واحد علیه دولت سوریه، تأسیس شد. آن‌ها ایدئولوژی سلفی-جهادی را دنبال کرده اما تلاش می‌کنند که تصویری از خود در حالی که مستقل از القاعده و دیگر گروه‌های مشابه هستند، ارائه دهند. با این حال، بسیاری از اعضای ارشد تحریر الشام از جمله رهبران آن، هم چنان از اعضای جبهه النصره بوده و ایدئولوژی و اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند. از این رو، اگرچه تحریر الشام به طور رسمی از القاعده فاصله گرفته، اما روابط داخلی و ایدئولوژیکی آن با جبهه النصره و گروه‌های جهادگر هم چنان حفظ شده است.

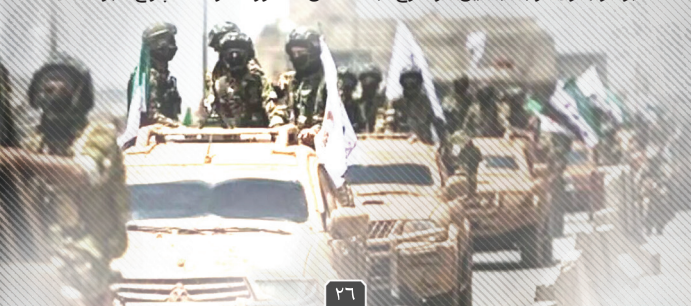
ساعاتی پس از برقراری آتش‌بس میان حزب الله و رژیم صهیونیستی، معارضان مسلح مستقر در سوریه، با هدایت تحریر الشام، از بامداد هفتم آذر ۱۴۰۳ برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ با حمایت برخی از کشورها و ورود نیروهای تازه نفس خارجی، اقدام به حمله گسترده علیه مواضع ارتش سوریه در مناطق شمال غرب، غرب و جنوب غرب حلب کردند.

پیشروی سریع این گروه به سمت شمال و شمال غرب حلب، ناشی از این نکته است که به دلیل جنگ جاری در لبنان، بخشی از تمرکز عملیاتی نیروهای حزب الله در نوار جنوبی ادلب کم رنگ شده بود. علاوه بر این، ارتش روسیه به دلیل جنگ اوکراین، مجبور به تخلیه بسیاری از امکانات نظامی خود از پایگاه حمیم واقع در جنوب شرق لاذقیه یا عقب نشینی از برخی حوزه‌های نظامی در نزدیکی ادلب- حلب شده بود، اتفاقی که از چشمان غربی‌ها به دور نمانده بود.

تحرکات معارضان مسلح، علیه مواضع ارتش سوریه، توافق آتش بس منعقد شده در سال ۲۰۲۰ را نقض کرد، زیرا این منطقه، مشمول توافقنامه کاهش تنش بود که با تضمین ترکیه در آستانه، امضا شده بود و شامل مناطقی در ادلب، حومه حلب و بخش‌هایی از حماه و لاذقیه نیز می‌شد.

توطئه غرب، عوامل ناتو و حکام غربی منطقه را رهبر معظم انقلاب در دیدار با بشار اسد، به ایشان هشدار داده بودند. ایشان در دیدار با بشار اسد در خرداد سال جاری، تاکید فرمودند: غربی‌ها و دنباله‌های آن‌ها در منطقه قصد داشتند با جنگی که علیه سوریه به راه انداختند، نظام سیاسی این کشور را ساقط و سوریه را از معادلات منطقه، حذف کنند اما موفق نشدند و اینک نیز قصد دارند با شیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچ گاه به آن‌ها عمل نخواهند کرد، سوریه را از معادلات منطقه خارج کنند.... ما هرچه عقب بنشینیم، طرف مقابل جلو می‌آید.^۱

اما دمشق پس از تثبیت اوضاع که به کمک محور مقاومت به دست آمده بود و بدون توجه به این موضوع، به کاهش حضور مقاومت، چراغ سبز نشان



داد تا روابط عربی و بین‌المللی خود را بهبود بخشد و حالا همان‌ها بدون آن که مقاومت، فرصتی برای حمایت از اسد به دست آورد، او را ساقط کردند. اسد در این زمان هوشمندی چندانی به خرج نداد. او متحدانش را پراکنده کرد، از اصلاح اوضاع داخلی حزب و دولت بازماند و در شرایطی که تیغ تیز دشمنان را دیده بود، باز فریب خورد...

رهبر انقلاب اسلامی در سخنان خود این مسئله را این گونه تبیین فرمودند: نباید تردید کرد که آن چه در سوریه اتفاق افتاده، محصول یک نقشه مشترک آمریکایی و صهیونیستی است. بله یک دولت همسایه‌ی سوریه، نقش آشکاری را در این زمینه ایفا کرده، الان هم ایفا می‌کند - این را همه می‌بینند - ولی عامل اصلی توطئه‌گر و نقشه‌کش اصلی و اتاق فرمان اصلی در آمریکا و رژیم صهیونیستی است. قرائنی داریم. این قرائن برای انسان، جای تردید باقی نمی‌گذارد.....

البته این مهاجمینی که گفتم هرکدام یک غرضی دارند. اهدافشان با هم متفاوت است، بعضی‌ها از شمال سوریه یا جنوب سوریه، دنبال تصرف سرزمین‌اند، آمریکا به دنبال این است که جای پای خودش را در منطقه محکم کند، اهدافشان این هاست و زمان، نشان خواهد داد که ان‌شاءالله هیچ کدام به این هدف‌ها نخواهند رسید. مناطق تصرف‌شده‌ی سوریه، به وسیله‌ی جوانان غیور سوری، آزاد خواهد شد، شک نکنید این اتفاق خواهد افتاد...^۲

۱- بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور سوریه و هیأت همراه با رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۳/۳/۱۰

۲- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم پیرامون تحولات اخیر منطقه ۱۴۰۳/۹/۲۱



بهترین فرصت

ماه رجب، ماه شست و شوی دل و جان، از زنگارهای گناه و غفلت و آماده شدن برای ورود به ضیافت بزرگ الهی است. کسانی که دل درگرو محبت خدا نهاده اند، لحظه شماری می کنند تا با ورود به ماه رجب و بهره مندی از برکات آن، به درك فیوضات ماه عظیم شعبان، نائل شده و پس از آن بتوانند مدال لیاقت ورود به ضیافت الهی در ماه رمضان را دریافت نمایند.

ماه رجب با تمام شکوهش می آید و لیلۀ الرغائب، شبی به بزرگی تمامی آسمان ها، شبی که خداوند به ملائک، فخر می فروشد و مناجات بندگان خوب خود را به رخ فرشتگان می کشد... نزدیک می شود.

هلال ماه رجب، زندگی و تولدی دوباره را به عاشقان، نوید می دهد. ماه رجب فصل جدیدی در کتاب زندگی می گشاید که از عطر دل انگیز نیایش، سرشار است.

در سیزدهمین روز این ماه، به اذن الهی خانه ی خدا شکافته می شود تا نوزادی به پاکی علی (علیه السلام) در آن متولد شود و این گونه می شود که علی (علیه السلام) از همان بدو تولد، معتکف در حرم امن الهی می گردد. اعتکافی که از کعبه، شروع و در مسجد کوفه، پایان می پذیرد.

رجب را باید غنیمت شمرد تا به علی (علیه السلام)، این گوهر الهی نزدیک شد. رجب را باید فرصت دانست، برای علی وار رفتن به سمت خدا. رجب زمانی است برای حُب علوی و عشق فاطمی.

و اعتکاف در این ماه!!! چه زیباست که انسان سه شبانه روز، در

خانه‌ی پروردگار، روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت صبح کند، تا شاید در همین ساعات و لحظات، نظر لطف پروردگار را به خود جلب کرده و صدایی آسمانی، در وجودش طنین انداز شود که تو را از هر آن چه بوی خوش در دنیاست، بازداشتم تا بوی بهشت را به تو برسانم، به تو گفتم از لذات دنیایی، دست بکش، تا لذت با خود بودن را به تو بچشانم. حال که این گونه شدی، دنیا در پیش چشمانت بیشتر از همیشه حقیر می‌نماید و این می‌شود که تا ابد، معتکف می‌مانی و می‌شوی آن چه باید می‌شدی.

روزهای این ماه یکی پس از دیگری می‌گذرند تا به ۲۷ رجب می‌رسند زمانی که جبرئیل امین، بر محمد امین علیه السلام فرود آمد و بار سنگین هدایت این امت را به ایشان امانت داد، تا کامل‌ترین دین، به دست کامل‌ترین انسان، به بشر عرضه شود و این پیام آور مهربانی، چه نامهربانی‌ها در این مدت دیدند، اما از هدایت خلق ناامید نشدند و پیامبر رحمت نام گرفتند.

و ما در این ماه برکت و رحمت، و با این نگاه که تا خودسازی نکنیم و صالح نشویم، نمی‌توانیم مصلح بزرگ جهانی را درک کنیم، با تمسک به ریسمان الهی و با امید به توفیق توبه، این فرصت را غنیمت شمرده تا شاید بتوانیم نام خود را در زمره‌ی منتظران واقعی حضرتش بنویسیم. ان شاء الله

منتظر حقیقی

یعقوب نبی (علیه السلام) نمونه یک منتظر حقیقی در کلام وحی است. کسی که در فراق ولی خدا، از فرط اندوه و ندبه، تا مرز نابینایی پیش رفت، بر خلاف فرزندان خطاکار خود، که نه تنها از فراق ولی خدا، دلگیر نبودند، بلکه از نبود او، رضایت هم داشتند.

نوع جهان بینی و سبک زندگی ما تعیین می کند که ما از منتظران ظهور حضرت هستیم یا از موانع ظهور ایشان !!

بهانه

صبح که از خواب بیدار می شوی
به امام زمان علیه السلام سلام کن.
در روز چند دقیقه ای با ایشان صحبت
کن، مثل یک دوست مهربان، منتظر
آمدنشان باش. چه کسی می داند؟
شاید همین امروز بیایند. به هر
بهانه ای صدایشان کن، در شادی و
غم، در گشایش و تنگنا.
هر وقت که گناه، با فریبده ترین
چهره ها، تو را وسوسه می کند به
ایشان پناه ببر.

قفل غیبت

تازمانی که همنشینِ گناه باشیم، همنشینِ امام‌زمان علیه السلام نخواهیم بود. تازمانی که گرفتارِ نفس باشیم، هم نفسِ امام‌زمان علیه السلام نخواهیم بود. پس بیایید برای التیام قلب اندوه بار حضرت مهدی علیه السلام گناه نکنیم، و برای گشودن قفل غیبت، زمانی از روز خود را، وقف مولای منتظرمان کنیم! آن قدر برایشان قدم برداریم، تا پاهایمان تاول بزند! آن قدر سختی به جان بخریم، تا تنمان، بیمار شود! آن قدر جانانه کمره‌مت به خدمتشان ببندیم، که از نفس بیفتیم.

از همه مهم‌تر آن چنان که بارها امام غریبمان خواسته و امر کرده اند، آن قدر برایشان در سوز و گداز باشیم و سخاوتمندانه دعا کنیم، تا دعا‌هایمان قفل غیبت را بگشاید...

درد ما

ما همیشه کارهای واجب تری برای انجام دادن داریم ...
مثلاً یکی از ما، دغدغه اش این است که در کنکور رتبه بیاورد و دانشگاهِ فلان، قبول شود...
یکی دیگر از ما با لباس و کیفش، کلنجار می‌رود، که شیک تر به چشم بیایند...
من وقتم را بدون توجه به این که شما امام وقت و زمان هستید، صبح تا شب به بطالت می‌گذرانم...
دیگری حتی برای آمدنتان، دعا هم نمی‌کند و شما بین روزمرگی‌های بیهوده اش گم شده اید...
ما مُدام درگیر مجازی‌ها و چالش بازی هایمان هستیم ...
بی خیال این که دنیای واقعی ما، محتاج حضور شماست ...
پس متأسفانه درد ما، نیامدن شما نیست...

غفلت استاد

شروع به تفسیر سوره‌ی نمل کرد ...

به آیه بیستِ سوره، که رسید گفت: حضرت سلیمان نگاهی به پرنده‌ها کرد و هُدهُد را ندید !!

اول گفت: چیزی شده که من نمی‌توانم او را ببینم ؟
اول مشکل را به خودش، نسبت داد و بعد گفت: «أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ»^۱ یا که او غائب است و حاضر نیست !!
استاد توضیح داد: هُدهُد پرنده‌ی مهمی برای حضرت سلیمان (علیه السلام) بود. چرا که ایشان به عنایت خداوند به زیر دستانِ خود، احاطه داشت.

بعد استاد ادامه داد : آیا ما برای امام زمانمان این قدر کارایی داریم که اگر یک روز از یادِشان غافل شدیم، دنبال ما بگردند و بگویند آن مُجِب من کجاست؟ نکند چیزی شده که من او را نمی‌بینم ؟ نکند غایب است ؟ ... به اندازه‌ی هُدهُد برای امام زمانمان هستیم ؟

با خودم فکر می‌کنم آیا من که سعی می‌کنم در طول روز، حداقل با یک دعای عهد، با یک زیارتِ آل یاسین و یادِشان باشم، اگر یک روز غفلت کردم، آیا آقا می‌فرمایند: فلانی کجاست ؟ ...

مصیبت در دین

از آیت الله بهجت پرسیدند: مقصود از مصیبت در دین، که در برخی ادعیه آمده، چیست؟ فرمودند: همین مصیبتی که به آن مبتلا هستیم، یعنی فقدان امام زمان علیه السلام.

این حرف چقدر سنگین است، اگر بفهمیم. ما کجا و مصیبت زدگی کجا؟ مصیبت زده تعریف دارد، علامت و نشانه دارد. مصیبت زده یعنی مادرِ داغِ فرزند دیده، یعنی کسی که در سیل یا زلزله، تمام سرمایه‌ی یک عمرش را از دست داده... مصیبت زده، غم زده است. اشک چشمش، خشک نمی‌شود، آرام و قرار ندارد. ما مدعیان انتظار امام زمان علیه السلام، کدام یک از این حالات را، در غم فراقِ امام خود، تجربه کرده‌ایم؟ پس یا خیال می‌کنیم یار امام و منتظر حضرت، هستیم یا ابلیس، چنان سرگرممان کرده که راه را گم کرده و به بیراهه رفته‌ایم. راستی مگر منتظر امام زمان علیه السلام دنباله رو ابلیس می‌شود؟!

باب قرب و معرفت

آیت الله قاضی طباطبایی رحمته الله علیه می فرمودند: «تا حقوقی که بر گردنت است را ادا نکنی، باب قرب و معرفت، باز شدنی نیست، این ها مال خداست و خدا رضایت خود را در رضایت خلق، قرار داده است.»

شریف ترین مخلوق خدا، که صاحب حق است، انسان می باشد. حقوق مردم، برای خداوند بسیار با ارزش است، تا جایی که خداوند از حق خود می گذرد، اما از حق مردم نمی گذرد. این بیانگر این امر است که احترام به حقوق دیگران و ادای آن، یکی از اساسی ترین اهداف ادیان آسمانی به خصوص دین اسلام است و یکی از وظایف مهم یک مهدی یاور، رعایت حقوق دیگران است. با رعایت این حقوق، می توان دل امام زمان عج را به دست آورد.

نام من عبدالرحیم بلورسازمشهدی است وساکن مشهد می باشم. بنده در سال ۱۳۵۵ شمسی، مبتلا به ناراحتی دندان شدم. به چند پزشک مراجعه کرده، اما همه مرا به دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ارجاع دادند. به دانشگاه علوم پزشکی مشهد مراجعه کردم.

وقت گرفته و نشستم تا نوبتم شد. وقتی داخل رفتم، دکتر مرا معاینه کرده و گفت: باید دو آمپول تزریق کنم تا بی حس شود. دو آمپول تزریق کردند. پس از نیم ساعت آمده و دست به صورتم زدند. گفتند: حالا آماده است. زیر دست یک دندانپزشک رفته و او دندان مرا کشید.

ربع ساعت بعد، آقای پزشک به پسر (محمود بلور ساز که پزشک است) می گوید: کیستی در دهان ایشان دیده می شود که خطرناک است.

با ایشان صحبت کنید که اگر صلاح می داند، الآن جراحی کرده و آن کیست را هم خارج کنیم.



پسرم با من صحبت کرد، اشاره کردم، اشکالی ندارد، اگر لازم است، آن را بردارند. آقای دکتر دستور داد چیزهایی که لازم بود، گرفته و آوردند. مرا روی تخت خوابانده و با جراحی، کیست را برداشتند.

وقتی مرا به منزل بردند. خیلی درد داشتم، قبل از عمل جراحی، آرامش بیشتری داشتم. خانواده ام به پزشک مراجعه کردند که ایشان خیلی درد می کشد. وی گفته بود که عمل او سنگین بوده، چند روز دیگر، درد او برطرف می شود. چند روز گذشت، اما من قدرت گویایی نداشتم.

حدود دو، سه ماه، این وضع ادامه داشت، دوباره به پزشک مراجعه کردم، گفت: چیزی نیست، شوکه شده اید و تا از بین نرود، قدرت گویایی شما به صورت اول بر نمی گردد.

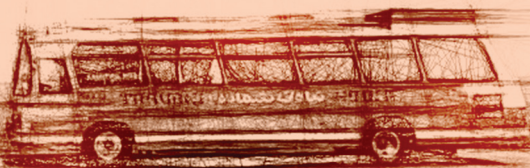
چند ماه به همین منوال گذشت، قدرت تکلم نداشتم، اگر کسی چیزی می پرسید، پاسخ او را با نوشته می دادم.

تا این که مدتی بعد، خانمم به ناراحتی دندان مبتلا می شود. به دکتر شمس مراجعه می کند. موقع کشیدن دندان، بدنش به لرزه در می آید، دکتر به او می گوید: خانم! کشیدن دندان، ناراحتی ندارد. چرا ناراحتی؟!

ایشان می گوید: برای همسرم چنین اتفاقی افتاده و او نزدیک سه ماه است، نمی تواند صحبت کند. پزشک به همسرم می گوید: من دندان شما را نمی کشم...

دیدم پس از این ماجرا، رفتار خانمم با من عوض شد. خیلی به من اظهار محبت می کرد. تا این که اربعین سید الشهداء رسید و ایشان مشغول زیارت خواندن بود. من او را قسم دادم که بگویم چه اتفاقی افتاده که این گونه

نسبت به من اظهار محبت می‌نماید؟ او که تا حالا از پاسخ دادن طفره می‌رفت، به یک باره شروع به گریه کرد و گفت: دکتر شمس به من گفت که عصب گویایی شما، قطع شده و دیگر به هیچ وجه، خوب نخواهید شد. بعد ازدانستن علت، به پزشک‌های مختلفی در مشهد، تهران، اصفهان و شیراز مراجعه کردم، اما نتیجه‌ای نگرفتم. تا این که روزی به تهران آمده بودم، در مسجد امام در حالی که دلم شکسته بود، نماز را فرادی خواندم. پس از نماز، انقلابی در من پیدا شد. مشغول اعمال خود بودم که دیدم سیدی (با لباس روحانی) دست‌های خود را روی پشت من گذاشت و صورت مرا بوسید و گفت: چه شده؟ چه مشکلی داری؟ بگو! من مشکلت را حل می‌کنم. من که قدرت سخن گفتن نداشتم، دو سه بار اشاره کردم که نمی‌توانم صحبت کنم. آخر هم ناچار شدم کاغذ و قلم در آورده و نوشتم: بنده مطلقاً قدرت گویایی نداشته و نمی‌توانم صحبت کنم. چه فرمایشی دارید؟ ایشان گفتند: من سید جلال علوی تهرانی هستم. آیا شما این جا، منتظر کسی هستید؟ عرض کردم: بله. قرار است ساعت ۲ برادرم دنبالم بیاید، هنوز ساعت ۲ نشده است.



ساعت ۲ شد. برادرم آمدند تا مرا ببرند. آقای علوی هم حضور داشتند. ایشان گفتند: آقای بلور ساز! من نمی گذارم ایشان بیایند، باید حتماً منزل ما بیاید. منزل آقای علوی، در قلعهک بود. بالأخره ایشان، ما را برای صرف ناهار به منزل خود بردند.

پس از صرف ناهار، آقای علوی به برادرم گفتند: اگر شما می خواهید تشریف ببرید، بروید. ایشان میهمان ما هستند، منتظر نباشید. آدرس منزل و شماره تلفن خودشان را هم به برادرم دادند. من نوشتم: اجازه رفع زحمت بدهید. ولی ایشان موافقت نکردند.

شب منزل ایشان ماندم. نیمه شب برای نماز بیدار شدند، بعد از نماز، به من فرمودند: من تا طلوع آفتاب، بیدار هستم و بعد از نماز صبح، به خواندن قرآن و اعمال مستحبی می پردازم. شما اگر مایل هستید، استراحت کنید. نوشتم: خیر! تا اول آفتاب، در خدمت شما هستم.

پس از صرف صبحانه، ایشان فرمودند: با قرآن استخاره کردم که اگر خوب آمد، شما را برای درمان، راهنمایی کنم. این آیه آمد: « وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ... »^۱ و از قرآن، آن چه شفا و رحمت است، برای مؤمنان، نازل می کنیم..

سپس به مطلبی که آقای شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان در مورد مسجد جمکران نقل نموده، اشاره کرده و به من گفتند: عهد کنید چهل شب چهارشنبه، به جمکران مشرف شوید و متوسل به امام زمان علیه السلام شوید. اگر خداوند صلاح بداند، به شما شفا عنایت می فرماید. شما که همه راهها را رفتید اما نتیجه نگرفتید، این کار را انجام دهید، اگر نتیجه نداد که ثواب

می‌برید و اگر نتیجه داد، خدا را شکر کنید.

من راهنمایی ایشان را پذیرفتم و برنامه خود را طوری تنظیم کردم که چهل هفته، مرتب از مشهد به جمران بروم. به همین جهت، همیشه بلیت هواپیما و اتوبوس برای چند هفته رزرو داشتم که اگر از طریق هواپیما، امکان پذیر نشد، با اتوبوس مشرف شوم و برنامه‌ی رفتنم، تا چهل هفته ادامه داشته باشد و اگر قطع شد، دوباره از اول شروع کنم.

در هفته‌ی سی و ششم یا سی و هفتم، شب چهارشنبه، مشغول اعمال مسجد جمران بودم، برای صد صلوات پایان نماز، سر به سجده گذاشته بودم که یک مرتبه دیدم، هیاهویی بلند شد که آقا امام زمان (عج) تشریف آوردند. من در حال سجده نمی‌دانستم وظیفه‌ی من چیست؟ نذر خود را رها کنم و درک فیض محضر خود را ادامه دهم؟ با خود است که به عهد و نذر واجب تر است. صلوات

آقا را بنمایم یا برنامه‌ی گفتم: وظیفه‌ی من این خود عمل کنم که آن، من تمام شد، بلند شده و

در نماز آقا شرکت کردم و به تشهد ایشان رسیدم. وقتی که خواستند تشریف ببرند، جمعیت هجوم آوردند. من توانایی نداشتم، با سختی بلند شده و تکیه به دیوار دادم. وقتی آقا به من رسیدند، حالم منقلب بود. وقتی چشمشان به من افتاد، فرمودند: حاجت تو بر آورده شد. بلند سلام کن!!

من هم سلام کردم. به خود آمدم، اطراف را نگاه کردم همه مشغول نماز و دعا بودند، آمدم بلند شوم، به زمین افتادم. دیگر هیچ چیز متوجه نشدم. اطرافیان، خیال کردند حالت غش، بر من مستولی شده و شروع به آب پاشیدن به صورتم نمودند. به حال آمدم، همان جا نشستم تا آرامش پیدا کردم، حدود یک ساعت طول کشید و بعد از مسجد خارج شدم. ولی برنامه‌ی آمدن به مسجد جمکران را تا کامل شدن چهل شب چهارشنبه ادامه دادم. با عنایت و توجهات مولایمان علیه السلام، قدرت سخن گفتن، به من بازگشت. به همین جهت، وقتی به مشهد بازگشتم، عهد کردم آن چه را دارم، تقدیم کنم. محلی داشتم در مقابل بازار رضا به نام پاساژ موسی، که دارای ده هزار متر بنای ساختمان و یکصد و هشتاد، مهمانپذیر بود. این بنا را که در پنج طبقه و دو طبقه همکف آن، تجاری با یکصد و هشتاد باب مغازه به انضمام کلیه‌ی امکانات برای نیازمندی‌های زائران و مستأجران احداث شده بود، به خیریه‌ی انصار الحجه به مدیریت آقای سمیعی واگذار نمودم.

خدا را سپاس گزارم که هم نعمت قدرت تکلم، به من بازگشت و هم این رحمت و سعادت نصیب من شد که به زیارت مولایم نائل شدم.^۲

۱- اسراء/ ۸۲

۲- دانشنامه امام مهدی علیه السلام، محمدی ری شهری، ج ۵، صص ۲۶۴-۲۵۸ به نقل از آیت الله صافی گلپایگانی با کمی دخل و تصرف

برجسته‌سازی

یکی از تکنیک‌های اقناعی مهم در بحث سواد رسانه، تکنیک برجسته‌سازی است که در این تکنیک، به فرد چگونه فکر کردن را القا نمی‌کنند بلکه اعلام می‌کنند که به چه چیزی فکر کند. رسانه‌ها توسط غول‌های رسانه‌ای، مردم را قانع کرده‌اند که شما فقط از طریق راه‌هایی که ما نشان می‌دهیم، می‌توانید معروف و مشهور شوید و مورد تعریف و تمجید قرار بگیرید و بخشی از مشکلات خود را فراموش کرده و احساس بهتری نسبت به زندگی خود پیدا کنید و حتی شیوه‌ی چگونه استفاده کردن از احساس بهتر را هم به مخاطبان آموزش می‌دهند. با توجه به این که رسانه، صنعت‌های بزرگ مُد، لباس و لوازم آرایشی را تبلیغ می‌کند بنابراین از طریق تکنیک‌های رسانه‌ای، مخاطبان را به گونه‌ای قانع می‌نماید که به طور مثال از تیپ و مُدی که عرضه می‌کند، پیروی کنند تا آن پوشاک و محصولات آرایشی، خریداری شوند. اینستاگرام یک فضای بسیار مناسب برای تحقق این هدف است.

تلنگر

مسابقه زیبایی

امروزه بسیاری از نوجوانان و جوانان بدون توجه به تعالیم دینی، به دنبال رفع نیازهای کاذب خود، با بهره‌گیری از الگوهای زیبایی ارائه شده در فضای مجازی، بوده و صرفاً در یک مسابقه زیبایی قرار گرفته‌اند و چون این موضوع کاملاً نسبی بوده و هیچ وقت به ۱۰۰ درصد نمی‌رسد، لذا این دوئل هم چنان ادامه دارد و تنها سواستفاده‌کنندگان از این مسابقه زیبایی، بهره‌برداران صنعت مُد و زیبایی و لوازم آرایش و ابرقدرت‌های رسانه‌ای هستند.

تلنگر

یخ زدگی ذهنی

یکی دیگر از آسیب‌های فضای مجازی این است که گویی مردم دچار یخ زدگی ذهنی شده‌اند. به طور مثال وقتی فردی را می‌بینند که دچار سانحه شده، به جای این که به کمک او بشتابند، کنار ایستاده و از آن صحنه، فیلم می‌گیرند، تا اولین مخابره کننده باشند. چون بارها دیده‌اند افرادی که فیلم‌ها را بازنمایی شده، در فضای مجازی و اینستاگرام بارگذاری کرده‌اند، تعداد فالوورهای بیشتری را جذب کرده‌اند.

تلنگر

افراد بیخودی

اگر بحث سواد رسانه، در میان عموم مردم، نهادینه شود و مردم تصاویر و ویدئوهای بازنمایی شده را پیگیری ننمایند و افراد را بیخود و بی‌جهت معروف نکنند و به دوران نخبگی بازگردند و در راستای معرفی افرادی قدم بردارند که از شخصیت‌های بسیار قدرتمند و دارای دانش و تخصص بالا در حوزه‌های تخصصی هستند، قطعاً این افراد هم فالوورهای زیادی به دست نمی‌آورند و شرایط، خود به خود به حالت عادی، بازمی‌گردد اما تا وقتی که این دسته از افراد با اقبال عمومی مواجه باشند، هم چنان به کار خود ادامه می‌دهند.

تلنگر

تأثیر سواد رسانه‌ای بر مصونیت نوجوانان از آسیب‌های مجازی

دوره‌ی نوجوانی با تغییرات فیزیکی و عاطفی آن شناخته می‌شود. در این بازه‌ی سنی، افراد جوان، به دنبال خودمختاری و آمادگی برای ورود به بزرگسالی هستند. نوجوانان در جست و جوی اطلاعاتی هستند که به آن‌ها کمک می‌کند تا ضمن حفظ ارتباطات معنادار با والدین و مراقبین شان، جهت ایجاد شخصیتی مستقل از آن‌ها، قدم بردارند.

معمولاً این افراد از تفکر منطقی استفاده نمی‌کنند و بر اساس تاثیری که از رسانه‌ها می‌گیرند، اطلاعات دریافتی را پردازش می‌کنند. برای مثال یکی از آسیب‌های رسانه‌ای مربوط به نوجوانان این است که هنگامی که مخاطبان جوان، احساس می‌کنند یک کاراکتر در تلویزیون جذاب و دوست داشتنی است، احتمال بیشتری وجود دارد که از رفتارهای آن شخص، الگو بگیرند تا به زعم خود، به نتایج مثبت در زندگی برسند.

تلنگر



دیدار قائم مقام
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
استان فارس به همراه جمعی از معاونین
با استاندار فارس



برگزاری مراسم دعای ندبه
مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری دعای ندبه
شهرک صدرا شیراز



برگزاری سه شنبه مهدوی
به صورت هفتگی مهدیه صاحب الزمان
شهرستان فسا



برگزاری مراسم دعای پرفیض ندبه
همراه با برنامه پیاده روی خانوادگی
بعد از قرائت دعا
مزایجان توانات



برگزاری سه شنبه مهدوی
دبستان مهدیه - شهرستان فسا

فراخوان چهارمین اجلاس سراسری مهدویت و انقلاب اسلامی

محورها و موضوعات:

- * چیستی و ماهیت شناسی دولت تراز انقلاب اسلامی با نگاه به آرمان مهدویت(مبانی، اصول، ابعاد و قلمرو نظری)
- * پیوندهای دولت تراز انقلاب اسلامی با مهدویت(رویکرد منجی باوری، رویکرد زمینه سازی)
- * مؤلفه ها و شاخصه های دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت(شاخص کارگزاران، طرح و برنامه، شاخص فرهنگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...)
- * اهداف چشم انداز دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
- * دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت، ظرفیت ها، راهبردها، آسیب ها
- * وظایف و کارکردهای دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
- * دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت در نگاه امامین انقلاب
- * ارتباط دولت تراز انقلاب اسلامی با تمدن نوین اسلامی در راستای آرمان مهدویت
- * نقش مردم در دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
- * مقایسه دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت با نظریه رقیب

قالب های ارائه آثار:

- * رساله دکتری * مقالات علمی * پژوهش های کاربردی * پایان نامه کارشناسی ارشد

مهلت شرکت در فراخوان:

سه شنبه نهم دی ماه ۱۴۰۳

مزایای شرکت در فراخوان:

* دارای مجوز ISC وزارت علوم تحقیقات و فناوری

* چاپ آثار برتر در نشریات علمی و پژوهشی و کتاب اجلاس همراه با گواهی شرکت در فراخوان

نحوه ثبت نام و ارسال آثار:

علاقه مندان می توانند از طریق فرم ذیل نسبت به ثبت نام و ارسال آثار اقدام نمایند

mahdaviat.ir/?p=125848

هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی بر می داریم
یک قدم به ظهور حضرت مهدی (عج) نزدیک تر می شویم

چهارمین اجلاس ملی

مهدویت و انقلاب اسلامی

• محورهای فراخوان همایش:

چیستی و ماهیت شناسی دولت تراز انقلاب اسلامی با نگاه به آرمان مهدویت (مبانی، اصول، ابعاد و فلسفه نظری)
پیوندهای دولت تراز انقلاب اسلامی با مهدویت (رویکرد متجلی باوری، رویکرد زمینه سازی) مؤلفه ها و خاصه های دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
(شاخص کارگزاران، طرح و برنامه، شاخص فرهنگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ...)
اهداف چشم انداز دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت، ظرفیت ها، راهبردها، آسیب ها
وظایف و کارکردهای دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت در نگاه امامین انقلاب
ارتباط دولت تراز انقلاب اسلامی با تمدن نوین اسلامی در راستای آرمان مهدویت
نقش مردم در دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت
مقایسه دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت با نظریه رقیب

• قالب های ارائه آثار:

رساله دکتری، مقالات علمی
پژوهش های کاربردی
پایان نامه ارشد

• مزایای شرکت در

فراخوان همایش:

دارای مجوز ISIR وزارت علوم
تعمیدات و فناوری کشور
چاپ کتاب برتر در نشریات علمی
و پژوهشی و کتاب اجلاس
همراه با گواهی شرکت در فراخوان

• نحوه ارسال مقالات

پایگاه مجازی اجلاس
چیت مشاهده ضوابط و ارسال آثار
mahdaviat.ir

• زمان برگزاری:

شنبه ۲۰ بهمن ماه ۱۴۰۲
مهدی - حرم معظم رضوی - بست شیخ طوسی
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تالار قدس

• مهلت ارسال مقالات:

سه شنبه ۹ دی ماه ۱۴۰۲

• محور ویژه (۱):

دولت تراز انقلاب اسلامی و مهدویت در آموزه های رضوی

• محور ویژه (۲):

دولت تراز انقلاب اسلامی، مهدویت، محور مقاومت

• دبیرخانه اجلاس:

تهران - خیابان آیت الله طالقانی
میدان فلسطین - پلاک ۳۷۷

• شماره های تماس:

۰۲۱۶۹۳۵۶۸۱ - ۰۲۱۶۹۳۴۴۴۷

• سامانه پیامکی:

۱۰۰۰۰۰۱۲

